

## ابراز قدر دانی مهاجران افغانستانی به آیت الله هاشمی رفسنجانی

## همدردی همسایه



عکس: Gettyimages

در باره آیت الله رفسنجانی مانند سایر هموطنانش است و به «شهروند» از تأثیر نظرات هاشمی در وضع فعلی مهاجران می گوید: «نگاه آقای هاشمی به مهاجران، نگاه مثبتی بود. هر چند این نگاه مثبت در آن زمان باعث نشد که تغییر گسترده ای در روند رفتار با مهاجران و زندگی آنها حاصل شود و حتی سختگیری های زیادی علی الخصوص در خراسان رضوی وجود داشت، اما ایشان در سخنرانی ها و نشست هایی که با شعرا برگزار کردند، نگاهشان به مهاجران بسیار مثبت بود و گفتند تا هر وقت که بخواهید در کشور ما میمانید و البته نان بازوی خود را می خورید و برای همین سختکوشی تان است که خیلی از کارفرمایان به شما اعتماد می کنند. صحبت های ایشان و نوع نگاهشان در آن سال ها باعث شد تا نتایجش را امروز ببینیم و به هر حال آن دیدگاه امروز پیاده شده و فضا بسیار متفاوت تر از گذشته است.»

## حمایت آیت الله از کودکان مهاجر

«یک روز در اوج سال های غربت و تنهایی با هماهنگی یکی از دختران آیت الله «هاشمی رفسنجانی» ملاقاتی با ایشان داشتم. قرار بود زمان جلسه تنها ۱۰ دقیقه باشد اما وقتی بیرون آمدم، مسئولان دفتر یادآوری کردند بیش از ۴۰ دقیقه ملاقات به طول انجامیده است. مهم ترین محورهای گفت و گو، رنج ها و مصیبتی بود که مهاجران در حوزهای مختلف از جمله آموزش تحمل می کنند. در این حین از دختر بچه مهاجری گفتم که در سنین کودکی به جای بازی و مدرسه در خانه مشغول کار بر سر زنی است، به گونه ای که سرانگشتان نحیفش از آثار فشار بر سوزن های برس ها زخمی شده است. بعضی گلویم را گرفته بود و در حالی که تلاش می کردم احساس خودم را کنترل کنم، لب های آیت الله را دیدم که بر چیده شده و حلقه های اشک که بر چشمانشان نمایان شد. دیگر نتوانستم ادامه دهم که ایشان فرمودند: اینها مردم مظلومی هستند و از مصادیق عیاش الله و کار برای اینها کار برای خداست.»

برای فاطمه اشرفی، رئیس هیأت مدیره انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (حامی) هم هاشمی رفسنجانی با نگاهش به مهاجران در خاطر ثبت شده است و حالا وقتی از آن روز و دیدار برای ما نقل می کند، صدایش می درخشد «آیت الله هاشمی رفسنجانی به موضوع جهانشمول حمایت از

۱۳۷۵ بودم، ایشان ریاست جمهوری را بر عهده داشتند. یاد می آید آن وقت ها دفعه خاطری برای هموطنان من در قالب (افغان بگیر) نبود. این جزو خاطره های خوب من از دوران ریاست جمهوری ایشان بود. هاشمی رفسنجانی جزو آن دسته از چهره های بود که در قلب مهاجران رنگ داشت. خدایمان بیامرزش، ایران چهره بزرگی را از دست داد.» درباره محبوبیتش در میان مهاجران افغان، فیاض تاریخ پژوه، شاعر و فعال ادبی، فرهنگی افغانستان هم در یادداشتی در باشگاه خبرنگاران نوشت: «ایشان نه تنها سیاستمدار کاردکشته و مرد عبور از بحران ها در جمهوری اسلامی ایران بودند بلکه در مورد مسائل مهاجران نیز دید مثبت و تأثیر گذاری داشتند. به طوری که در یکی از سخنرانی های خود مهاجران را «سازندگان بنام و نشان» نامیدند و این در حالی است که ایشان خود ملقب به سردار سازندگی بودند.» نگاه بصیر احمد حسین زاده، نویسنده و روزنامه نگار افغانستانی هم

تا جمعه ای دیگر که باز هم خطبه ای خوانده می شد، تحلیلی صورت می گرفت و بسا آرامش و امنیت خاطر به سر می بردیم. آنچه خطبه های نماز جمعه را گرمابخش و مطمئن آفرین ساخته بود و اضطرابها، دولتی ها و دلپرها را از جوانان دور می کرد، نفس های گرمابخش و تحلیلی های امید آفرین و هنرمندانه آقای رفسنجانی بود. رفتن به نماز جمعه تهران و نشستن پای خطبه های آقای رفسنجانی برای بسیاری از مهاجران افغانستان مقیم تهران لذت بخشی و شاد آفرین بود. هم از آن جهت که مطالب جدیدی از آن خطبه ها می آموختند و هم از جهان اسلام مطلع می شدند و هم از تحلیل های زیبا، شور آفرین و الهام بخش آقای رفسنجانی سود می بردند.» نه تنها برای کاظمی که بسیاری دیگر از مهاجران افغانستانی هم برایشان آن دوره روشن است و بعد از آمدن خبر درگذشت، از خاطر ایشان در آن سال ها نوشته اند. «آن وقت ها که من شاگرد سوم ابتدایی در سال

مهاجر هراسی و مهاجرتی در بعضی از متولیان امور وجود داشت. «ما بر خوردهای نسنجیده و جفاکارانه بسیاری می دیدیم که در بعضی از شعره های ما در آن سال ها هویداست. اکنون که قریب به ۲۵ سال از آن زمان گذشته است، به راحتی می شود حس کرد نگاهی که در سخنان آقای رفسنجانی به صورت جرقه وار مطرح شد، در بخش مهمی از جامعه ایران عمومیت یافته است.» حالا برای کاظمی یادآوری خطبه های نماز جمعه آیت الله رفسنجانی هم حال و هوای خودش را دارد. خطبه هایی که امیدوارشان کرد و خون تازه ای به رگ هایشان شد: «همه ۶۰ خورشیدی به ایران مهاجرت کردم. روزهای جمعه با رفتن به نماز جمعه و شنیدن خطبه های آن نماز که اکثرا توسط آقای رفسنجانی قرائت می شد برای من ماندگار شد. این خطبه ها آن قدر امیدوار کننده بود که هر کس آن خطبه ها را می شنید با اطمینان خاطر و آرامش قلب از نماز جمعه بیرون می آمد

**شهروند** نگاه آیت الله به اوست که بر گه شعری در دست دارد. عکس سال ۱۳۷۰ پر داشته شده. محمد کاظم کاظمی مثنوی بازگشت می خواند از حال و هوای آن روزهای مهاجران افغانستانی. «دوستانی که در چهره آقای رفسنجانی دقت کرده بودند، گفتند که آثار تأثیر نسبت به این شعر در این مرد آهنین محسوس بوده است.» این تصویر تنها دیدار مهاجران افغانستانی با آیت الله هاشمی رفسنجانی است. دیداری که برای کاظمی تصویرش زنده است. همان جا که آیت الله سخنان درباره مهاجران می گوید. صحبت هایی که برایشان دلگرم کننده است. کاظمی در خاطرش از آن روز می گوید: «آیت الله هاشمی گفت مهاجران میمانند و پاره تن جامعه ایرانند و سختکوشی آنان قابل تحسین است. صحبت های آقای هاشمی از جنسی بود که در آن سال ها از بسوی مقامات جمهوری اسلامی در مورد مردم ما کمتر شنیده می شد.» آن هم در سال هایی که سخت بود و هنوز جو سنگین



محمد کاظم کاظمی در حال شعر خوانی در حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی

## تاسیس در مانگاه مهاجران در دوران آیت الله هاشمی

اسید وحید ظهوری حسینی | کارشناس ارشد حقوق بین الملل و عضو موسس بنیاد علمی فرهنگی کوثر افغانستان

در مانگاه قوی مجهزی برای درمان مهاجران افغانستانی تاسیس شد که نه قبل از دوران ایشان و نه بعد از آن ادامه پیدا نکرد. این مرکز در جنوب تهران مجوز داشت و در آن پزشکان افغانستانی به درمان مهاجران می پرداختند. پس از دوران ایشان هم پزشکان افغانستانی در درمانگاه های دیگری به درمان مهاجران پرداختند ولی مرکز رسمی به آن شکل، دیگر به وجود نیامد. یاد است که شهید کاظمی از مجاهدین افغانستان سرپرستی این درمانگاه را به عهده گرفتند. موضوع دیگر به بحث بیمه مهاجران بود. بیمه ای که الان داریم و سرو صدا پیدا کرده و از طریق آن در شرایط خاص کمک های ناص و محدودی هم به مهاجران می شود در آن زمان شکل کاملتری داشت. هم بیمه کارگران و هم بیمه خدمات درمانی و هم بیمه دانشجویان را در آن دوران داشتیم. بیمه کار و تأمین اجتماعی هم تا حدودی در آن زمان به مهاجران تعلق گرفت که خیلی ها از همان بیمه به بازنشستگی رسیدند و امروز تسهیلات آن بهر منده هستند.

شناخته نمی شوند و هیچ پاره ای دریافت نمی کنند، در زمان ریاست جمهوری ایشان، مستحق گرفتن کوبن خوار و بار شدند. ایشان در انقلاب مهاجران را درک می کردند و به همین علت رفاق ویژه ای نسبت به مهاجران داشتند. مهاجرانی که از نهضت امام و بعد از آن هم رهبری های رهبر جمهوری اسلامی مستفیض هستند. یکی از موارد دیگری که برای من مهم و ارزشمند است، بحث ارتباطات فرهنگی بین دو کشور و در نظر گرفتن تسهیلات برای تحصیل مهاجران افغانستانی است. در دوران ریاست جمهوری ایشان تعداد کثیری از مهاجران هم به صورت بورسیه و هم از طریق کنکور توانستند وارد دانشگاه های ایران شوند و ادامه تحصیل دهند. همچنین در همان دوران نشریات مشترک در فرهنگی بین دو کشور فعالیت کردند و شاهد تاسیس مراکز فرهنگی فعالی بودیم. یکی از مهم ترین همکاری های آیت الله هاشمی بحث درمان افغانستانی ها در ایران بود. ایشان به بیمه مهاجران کمک کردند و

آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از استوانه های اصلی انقلاب بودند و مهاجران مسلمان افغانستان از زمانی که به ایران آمدند با نام، آثار و صحبت ها و همکاری ایشان آشنا بودند. ما بارها در نماز های جمعه به خاطر این که ایشان خطبه می خواندند حضور داشتیم. ایشان که به عنوان یکی از یاران نزدیک امام محسوب می شدند، در طول دوران ریاست جمهوری از فاق های زیادی نسبت به مهاجران افغانستانی قابل شدند. همزمان با پیروزی مجاهدین در افغانستان و روی کار آمدن دولت اسلامی در این کشور، همکاری نزدیکی را بین ایران و افغانستان شاهد بودیم. حتی بعد از ریاست جمهوری شان نیز این ارتباط تنگاتنگ معنوی و فرهنگی و سیاسی را بین دو کشور هم کیش و هم زبان حفظ کردند.

یکی از نکات عمده ای که آیت الله هاشمی به آن پرداختند تسهیلات و کمک های شایانی بود که برای مهاجران در نظر گرفته شد. مهاجرانی که امروز در ایران به عنوان شهروند ایرانی



عکسی از رهبران ایران، بر روی دیوار خانه ای در یکی از روستاهای شهر مازندران عکس عجیبی جلای



دفتر یادبود ارتحال آیت الله رفسنجانی در کنسولگری هرات

## روستای «هاشمی رفسنجانی» در ترکمنستان

ایران می آید و به آقای هاشمی که آن موقع رئیس جمهوری ایران است، می گوید ما می خواهیم مستقل شویم، امام می ترسیم، می داریم که روس ها ما را تحریم می کنند و ما از گرسنگی می میریم. آقای هاشمی به او فقط یک حرف می زند، می گوید توستاتلات را اعلام کن گندم تا ما بین. او اعلام استقلال می کند، روسیه هم تحریم می کند و فقط می شود ایران کرد. بر می دارد و همه سیلوهای مشهد خالی می شود و می رود سمت ترکمنستان. کار که تمام می شود آقای نیازوف می گوید در این شرایط ما رسم داریم که خیابانی، میدانی، و خلاصه یک جای عمومی را به اسم شما می کنیم، اما این بار خیابان و میدان کم است، ما فقط یک روستای شیعه نشین داریم و این روستا را به نام شما میگذاریم می کنیم.»

در کشور ترکمنستان روستایی وجود دارد به نام «هاشمی رفسنجانی». این روستا پیشتر «ناریمان» نامیده می شد، همزمان با سفر ۲۰ سال پیش هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسبق ایران به منطقه مرو، و به افتخار ایشان به روستای رفسنجانی تغییر نام پیدا کرد و در همین زمان کلنگ احداث مسجد امام خمینی آن با حضور رئیس جمهوری ترکمنستان، صفر مراد نیازوف به زمین زده شد. در ابتدا قرار بود نام این مسجد هم رفسنجانی شود که با مخالفت ایشان به امام خمینی تغییر نام پیدا کرد و در اردیبهشت ۷۶ با حضور نیازوف و هاشمی رفسنجانی افتتاح شد.

رضا امیر خانی، نویسنده پیش از این درباره این روستا به خبر آنلاین گفته بود: «بسیست سال پیش، صفر مراد نیازوف به

